

امام خمینی(ره) بر شناخت و هویت اسلامی تأکید کرده‌اند/ علل عقب‌ماندگی

مسئله اجتماعی جهان سوم، عدم شناخت و درک هویت اجتماعی است...



خبرگزاری مهر - مسئله اجتماعی جهان سوم، عدم شناخت و درک هویت اجتماعی است که براساس آن نسلی به وجود آمده که ضمن تقلید کورکورانه از بیگانگان از فرهنگ خود جدا شده و عزت فرهنگی خود را به فراموشی می سپارند و در دنیای کنونی حیران و سرگردان شده‌اند.

امروزه، لفظ «عقب‌ماندگی» درباره برخی از کشورها و ملت‌های افریقایی و آسیایی که از کشورهای جهان سوم به شمار می آیند به کار می رود، این لفظ بسیار توهین آمیز است. عقب مانده و غیرپیشرفته، اصطلاحی هستند که کشورهای پیشرفته از لحاظ اقتصادی و صنعتی در مورد کشورهای جهان سوم به کار می برند و به عبارتی دیگر مراد از عقب مانده، آن تفاوتی است که به دلایل مختلف ازجمله تغییرات تاریخی خاص و عدم پیشرفت اقتصادی پدید آمده است. از لحاظ فنی و اقتصادی این کشورها در مقایسه با کشورهای پیشرفته، عقب مانده به شمار می روند.

جامعه‌شناسان برای عقب‌ماندگی خصوصیت‌هایی را تعیین کرده‌اند که شناخت آنها حائز اهمیت است؛ این ویژگی‌ها را به دو دسته اقتصادی و غیر اقتصادی تقسیم می کنند.

کشورهای عقب مانده در دو سه قرن گذشته به نحوی وابسته به امپریالیست جهانی بوده‌اند و این امر علاوه بر تغییر سازمان‌های اقتصادی و سیاسی، تأثیر عمیقی بر مسائل اجتماعی، فکری و روحی این کشورها بر جای گذاشته است. بنابراین مسلم است که استعمار جدید ضمن ارتباط بیشتر با ملت‌های افریقایی و آسیایی و اظهار محبت دروغین در این کشورها به دنبال منافع خود می باشد تا جایی که در عصر حاضر، استعمار جدید سیاستی را در کشورهای جهان سوم پیش گرفته که آنرا سیاست انسان دوستانه می نامند.

در بیشتر کشورهای جهان سوم به مردم یعنی صاحبان اصلی قدرت، اجازه دولت در اداره امور کشور را نمی دهند، بر این اساس قدرت و حکومت در دست اقلیت جامعه است که بر عامه مردم با زور و قدرت حکمرانی می کنند.

در کشورهای جهان سوم، به مردم یعنی صاحبان اصلی قدرت، اجازه دخالت در اداره امور کشور را نمی دهند، بر این اساس قدرت و حکومت در دست اقلیت جامعه است که بر عامه مردم با زور و قدرت حکمرانی می کنند.

در برخی کشورهای جهان سوم ارگانها و سازمانها براساس اصول و ضوابط ثابت و قدیمی به وجود آمده‌اند و به جای اهمیت دادن به مردم و توجه به نیروی انسانی، براساس معیارها و ضوابط غیر صحیحی عمل می نمایند و در فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی به جای اهمیت دادن به مقام و منزلت مردم به روابط خانوادگی و خویشاوندی و مقام اجتماعی فرد و معیارهای دیگری نظیر صنف و گروه توجه می شود.

نظام اجتماعی در این کشورها به گونه ای است که عامه مردم معتقد به تأثیر تقدیر در تعیین جایگاه اجتماعی خود می باشند تا جایی که آنها جمود اجتماعی خود را با تقدیر مرتبط می سازند و به طور کلی رفتار انسان در تغییر وضعیت خود را مورد نکوهش قرار می دهند و به دیده شک و تردید به آن می نگرند و تلاش و کوشش جهت تغییر وضعیت خود و رسیدن به رفاه و بهبودی را عیب تلقی می کنند در حالی که بعکس در برابر تقدیر سر تسلیم فرود آوردن، یک نوع تقوا و پرهیزگاری به حساب می آید.

گاهی آفتهای روحی روانی خاصی در اثر عقب‌ماندگی در جامعه به وجود می آید و این آفتهای برای سلامت فکری و روحی مردم به خصوص مردم جوامع آفریقایی و آسیایی خطر بسیار بزرگی محسوب می شود. در اینجا اثرات خوف، هراس و احساس ناامنی در جوامع عقب مانده به دلایل اقتصادی و اجتماعی، دچار ترس و بی اعتمادی است؛ مهم ترین دلایل این امر، احساس عدم امنیت، ظلم و ستم و تجاوز و بی عدالتی است در این جوامع می باشد، افراد این جوامع در جنبه های مختلف زندگی دچار خوف و هراس می باشند.

افراد این جوامع در جنبه های مختلف زندگی دچار خوف و هراس هستند، آنها از هر امری حتی از فکر و نظریه ها و رفتار خود مردد و

در هراسند. خشکسالی، بیکاری، ظلم و ستم، دلهره از آینده مبهم و تاریک، مسائل زندانی شدن، عدم عدالت و ترس از دیگر خطرهای کوچک و بزرگ که سالها بر فکر و روح آنها اثر منفی به جای می گذارد و در نتیجه آن، افراد این جوامع تا حدودی ترسو و بی اعتماد می شوند و به جز تحمل درد و رنج هیچ حرکت مثبتی را انجام نمی دهند.

مسئله اجتماعی جهان سوم، عدم شناخت و درک هویت اجتماعی است که براساس آن نسلی به وجود آمده که ضمن تقلید کورکورانه از بیگانگان از فرهنگ خود جدا شده و عزت فرهنگی خود را به فراموشی می سپارند و در دنیای کنونی حیران و سرگردان شده اند. در عصر کنونی وظایف مصلحان جامعه و اندیشمندان چیست و چه مسئولیتی در قبال نسل آینده و حال برعهده دارند؟ آیا تنها نایبستی در مورد وجود آنها در جامعه خود بحث و اظهار نظر کنند و درباره رهبران و حکومت‌های وابسته به غرب و ضعف اقتصادی نباید اظهار نظر کنند؟ آیا در مورد نفوذ استعمار نوین در گروه های مردمی یا در مورد بحران هویت و یا احیای ارزشهای متعالی و هویت فرهنگی خود و اصل بازگشتن به خویشتن نباید بحث و گفتگو کنند؟

این یک مسئله اساسی است که براساس آن، ضمیر و نهاد تمام روشنفکران و رهبران دچار اضطراب می شود، این همان نکته ای است که امام خمینی(ره) در دوران قیام خود ضمن تأکید بر آن، جهان اسلام و نسل جدید را از آن آگاه ساختند و حالا ضروری است که اندیشمندان اسلامی این مسئله هویت را روشن و واضح سازند که مقصود از هویت اجتماعی چیست؟ هویت اجتماعی یک مسلمان چیست؟

در رابطه با امام خمینی(ره) به این حقیقت دست یافتیم که ایشان چرا از میان تمام مفاهیم هویت اجتماعی، بیشتر بر شناخت و هویت اسلامی تأکید نموده اند.